

مهرورزی بر مردم، سخت‌گیری با دشمنان در مرام شهید سلیمانی (با تأکید بر فرهنگ انتظار)*

خداامراد سلیمیان^۱

چکیده

دین اسلام یک سامانه به هم پیوسته و فراگیر از آموزه‌های اعتقادی، عبادی، اخلاقی، سیاسی، اقتصادی، نظامی و اجتماعی است. برنامه‌ای جامع که خوشبختی دنیایی و آخرتی انسان‌ها را تضمین نموده، برای همه نیازهای زندگی انسان‌ها برنامه ارائه کرده است که از آنها تعاملات انسان‌ها با دیگران است. خداوند متعال برای آموزش این تعاملات انسانی، پیامبرانی را فرستاد و آخرین آنها را الگویی پسندیده برای همگان قرار داد و خلق او را نیکوترین و پسندیده‌ترین اخلاق برشمرد و در میان خلقیات او و پیروانش، از برجسته‌ترین‌ها را، سخت‌گیری بر کفار و دشمنان و رحمت و مهربانی بر مؤمنان و دوستان، توصیف کرد. این دو ویژگی البته در عصر غیبت و انتظار به سبب برخی ویژگی‌های این دوران که برجسته‌ترین آنها نبود ظاهری پیشوای معصوم علیه السلام است، بیش از هر زمان دیگر مورد تأکید قرار گرفته به گونه‌ای که یکی از شاخصه‌های منتظران راستین است. این پژوهش در پاسخ به این پرسش سامان یافته که: فرهنگ انتظار چه نقشی در تبلور دو ویژگی سخت‌گیری بر دشمنان و مهربانی بر مردم، در مرام و مکتب شهید سلیمانی داشته است؟ بررسی زندگی سردار شهید سلیمانی گویای آن است که وی در دوران زندگی خود با تأسی به پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله و سلم و پیشوایان معصوم علیهم السلام، بر دشمنان سخت‌گیر و بر دوستان مهربان بود. نمونه‌های پرشماری از فرازهای زندگی او، به‌ویژه در سه دوره مبارزاتی وی: هشت سال دفاع مقدس؛ حضور در جبهه مقاومت لبنان و حضور در برابر داعش در عراق و سوریه، گواهی راستین بر این پیروی بود. این پژوهش با استفاده از روش توصیفی، تحلیلی با بررسی بخش‌هایی از رفتارها و گفتارهای حاج قاسم سلیمانی به کارکرد فرهنگ انتظار در دو صفت سخت‌گیری در برخورد با دشمنان و مهرورزی در برخورد با مردم - به عنوان دو مؤلفه مهم شخصیتی آن شهید - به این نتیجه رسیده که می‌توان در عصر غیبت و انتظار با ایجاد و تقویت این دو صفت بر پایه دستورات دینی، به بهترین گونه ممکن فرمان الهی را تحقق بخشید.

واژگان کلیدی

شهید سلیمانی، مهرورزی، انتظار، دشمنان، سخت‌گیری، مردم.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۲/۲۸

۱. دانشیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم، ایران (kh.salimian@isca.ac.ir).

مقدمه

دین مبین اسلام به عنوان جامع‌ترین دین، همواره بر آموزه‌های اسلامی - انسانی، تأکید کرده است. از این آموزه‌ها، می‌توان به رودررویی با ستمگران و کفار و یاری ستم‌دیدگان اشاره کرد.

یکی از آیات قرآن که بر این مسئله پافشاری کرده است آیه ۲۹ سوره فتح است که در آن می‌خوانیم:

﴿حَمْدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ﴾

محمد پیامبر خدا، و کسانی که با او هستند بر کافران سختگیرند و با یکدیگر مهربان.

از آن جایی که خداوند در آیه ۲۱ سوره احزاب پیامبر خود را با این بیان: ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾؛ الگویی پسندیده معرفی کرده است و همگان را به پیروی از او امر کرده است که: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾؛ (نساء: ۵۹) اگر چنانچه کسی بخواهد از آن پیامبر رحمت پیروی کند می‌بایست در همه صفات پسندیده از او پیروی نمایند در این تأسی مؤمنان واقعی و کسانی که مدعی پیروی از پیامبر خاتم هستند می‌بایست در برابر دشمنان سخت‌گیرانه مقابله نمایند و در بین دوستان انسان‌هایی با شفقت و مهربانی باشند.

خداوند در آیاتی، کافران را دشمن خود و دشمن دوستان خود دانسته و مسلمانان را از دوستی با آنان پرهیز داده است؛ چنان که در سوره ممتحنه می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمُؤَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ...﴾ (ممتحنه: ۱-۲)؛

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، دشمن من و دشمن خود را به دوستی اختیار مکنید. شما با آنان طرح دوستی می‌افکنید و حال آن‌که ایشان به سخن حقی که بر شما آمده است ایمان ندارند... اگر بر شما دست یابند، دشمنی می‌کنند و به آزارتان دست و زبان می‌گشایند و دوست دارند که شما نیز کافر گردید.

البته کم نبوده‌اند در طول تاریخ انسان‌هایی که با پیروی از رسول گرامی اسلام ﷺ در زندگی خود با دشمنان خداوند دشمن بوده و با دوستان خداوند و پیامبر اسلام ﷺ در کمال دوستی و مهرورزی رفتار کرده‌اند. از آنها سردار شهید قاسم سلیمانی است که با پیروی از آن پیشوایان معصوم علیهم‌السلام به حقیقت آن صفت ارزشمند پایبند بودند.

در این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش هستیم که: فرهنگ انتظار چه نقشی در تبلور دو ویژگی سخت گیری بردشمنان و مهربانی با مردم، در مرام و مکتب شهید سلیمانی داشته است؟

مروری بر آثار موجود از زندگی شهید سلیمانی (اعم از اسناد نوشتاری، گفتاری، تصاویر و فیلم ها) گویای آن است که به رغم شهرت جهانی وی و انتشار آثار فراوانی از کتاب، مقاله، گزارش و مصاحبه در باره او، به طور مشخص با عنوان یادشده کاری مستقلی انجام نشده است و به صورت پراکنده در آثار به این دو صفت نیز اشاره شده است. از این رو امتیاز این اثر را می توان در تحلیل نسبت انتظار و دو ویژگی یادشده دانست.

از این رو با توجه به بایستگی بررسی این دو ویژگی شخصیتی وی در زندگی با برکت ایشان و در راستای تبیین مکتب این شهید عزیز به این پژوهش پرداخته شده است. در این جا پیش از ذکر مواردی در این باره به برخی از مفاهیم این بحث اشاره می شود.

مفهوم شناسی واژگان

سخت گیری با دشمنان

یکی از واژگان قرآنی در برخورد با دشمنان، واژه های "شدت" به معنای "سخت گیری" است. درک مفهومی این واژگان به ما کمک می کند تا چارچوب های راهبردی برخورد با دشمنان را درک کرده و نظریه سیاسی تعامل با دشمن را ارائه داده و در حوزه رفتار سیاسی به کار گیریم. یکی از راهبردهای بنیادین اسلام در حوزه رفتار سیاسی با دشمن، سخت گیری است. این نوع رفتار سیاسی در برابر دشمنان نه یک ساز و کار و برنامه و سیاست کوتاه مدت، که یک راهبرد بنیادین و از اصول سیاست های اسلامی است. یکی از آیات قرآن که به روشنی به غضبناکی و تندی بردشمنان اشاره کرده آیه ای است که در آن می خواهیم:

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَهُمْ جَهَنَّمُ وَايَسُّ الْمَصِيرِ﴾ (تحریم: ۹)؛

ای پیامبر، با کافران و منافقان جهاد کن و بر آنان سختگیر [که] جای ایشان در جهنم خواهد بود و چه بد سرانجامی است.

حقیقت امر این است که خداوند مؤمنان را به سخت گیری بردشمنان امر فرموده است.

دشمن

واژه دشمن در قرآن معادل «عدو» است. راغب اصفهانی درباره «عدو» می‌گوید: عدو، تجاوز و درگذشتن از حد است؛ که با التیام منافات دارد؛ یعنی با بهبودی بخشیدن و سازگاری دادن میان دو چیز ناهمگون دارد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۵۵۳) و آن کس را که چنین کند، "عدو" و "دشمن" خوانند.

در این پژوهش اما، دشمن عبارت است از هر عامل "درونی" یا "بیرونی" اعم از شخصیت "حقیقی" یا "حقوقی" که هدف نهایی آن تغییر کلی یا جزئی ساختار کلان نظام جمهوری اسلامی ایران از ماهیت دینی، اسلامی و شیعی به هویت موردنظر دیگر یا ایجاد مانع عمده برای تداوم و بقای آن نظام است.

مرام

معنای مرام را می‌توان از واژگان هم‌معنای آن به دست آورد، که در باره مترادف مرام، آیین، بینش، جهان بینی، عقیده، مسلک (فرهنگ عمید) خواست، خواهش، مراد، مقصود (لغت‌نامه دهخدا) شیوه رفتار، روش اخلاقی گفته شده است. و معادل فارسی آن بیشتر: آرمان، خواست، آرزو و پسند است.

در این جا مقصود از مرام بیشتر مسلک و سلوک در زندگی است که به مجموعه‌ای از باورها و ایده‌ها اطلاق می‌شود و آن به عنوان منبع توجیه رفتار و انتظارات یک فرد عمل می‌کند. مفهوم مرام همچون بسیاری مفاهیم دیگر در حوزه علوم انسانی تعاریف پرشماری را در طول تاریخ و در مکاتب گوناگون داشته است.

در این جا و نسبت آن به شهید سلیمانی مقصود: مکتب، منش و راه است که رهبر معظم انقلاب درباره او چنین گفت:

این که ما بیائیم این حوادث را تقویم کنیم، قیمت‌گذاری کنیم، قدر آنها را بدانیم و ببینیم که اندازه و قیمت این حوادث چقدر است؛ در صورتی تحقق پیدا می‌کند که ما به حاج قاسم سلیمانی - شهید عزیز - و به ابومهدی - شهید عزیز - به چشم یک فرد نگاه نکنیم؛ به آنها به چشم یک مکتب نگاه کنیم. سردار شهید عزیز ما را با چشم یک مکتب، یک راه، یک مدرسه درس آموز، با این چشم نگاه کنیم آن وقت اهمیت این قضیه روشن خواهد شد. قدر و قیمت این قضیه روش خواهد شد (بیانات در

خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۲۷/۱۰/۱۳۹۸).^۱

انتظار

«انتظار»، در لغت به معنای چشمداشت و چشم‌به‌راه بودن (دهخدا، ۱۳۷۳ش: کلمه انتظار) است؛ اما در اصطلاح، به معنای چشم‌به‌راه بودن برای ظهور واپسین ذخیره الهی و آماده شدن برای یاری او در برپایی حکومت عدل و قسط در سراسر گیتی است.

به بیان دیگر، «کیفیتی روحی است که باعث به وجود آمدن حالت آمادگی (انسان‌ها) برای آنچه انتظار دارند، می‌شود و ضد آن، یأس و ناامیدی است. هر چه انتظار بیشتر باشد و هر چه شعله آن فروزان‌تر و پر فروغ‌تر باشد، تحرک و پویایی او و در نتیجه آمادگی نیز بیشتر خواهد بود» (موسوی اصفهانی، ۱۳۷۹ش: ج ۲، ۲۳۵). در شماری از روایات از انتظار به عنوان برترین اعمال امت پیامبر ﷺ یاد شده است (صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۶۴۴).

برای تبیین فرهنگ انتظار باید مؤلفه‌های انتظار بیان گردد؛ زیرا در پرتو بیان مؤلفه‌ها و ویژگی‌های انتظار، می‌توان به فرهنگ انتظار پی برد. برخی از این مؤلفه‌ها عبارتند از: تقویت باورهای اسلامی؛ بارورسازی شجره طیبه اخلاق؛ حفظ شریعت اسلامی؛ شکل‌گیری حاکمیت اسلامی مبتنی بر امکانات در دسترس؛ برجسته‌نگه داشتن مرز حق و باطل؛ جهانی‌کردن اسلام ناب؛ آمادگی مستمر برای همراهی با امام.

در مؤلفه‌های یادشده برخورد با دشمنان و مهرورزی با دوستان دو اصل اساسی است که در سخنان معصومان علیهم‌السلام بدان اشاره شده است.

امام باقر علیه‌السلام از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم روایت کند که فرمود:

طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي وَهُوَ يَأْتُمُّ بِهِ فِي غَيْبَتِهِ قَبْلَ قِيَامِهِ وَيَتَوَلَّى أَوْلِيَاءَهُ وَيَعَادِي أَعْدَاءَهُ، ذَلِكَ مِنْ رُفْقَائِي وَذَوِي مَوَدَّتِي وَأَكْرَمُ أُمَّتِي عَلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ (صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ۲۸۶، ح ۲)؛

خوشا بر احوال کسی که قائم اهل بیت مرا درک کرده و در غیبت و پیش از قیامش پیرو او باشد؛ دوستانش را دوست بدارد و با دشمنانش دشمن باشد؛ چنین کسی در روز قیامت، از رفقا و دوستان من و گرامی‌ترین امت من خواهد بود.

این دشمنی و دوستی اگرچه در همه زمان‌ها دارای اهمیت است اما در عصر انتظار از اهمیت بیشتری برخوردار است.

1. <https://farsi.khamenei.ir/others-note?id=۴۴۷۰۹>

رهبرانقلاب به این بایستگی اشاره کرده، می‌گوید: بزرگ‌ترین وظیفه منتظران امام زمان علیه السلام این است که از لحاظ معنوی و اخلاقی و عملی و پیوندهای دینی و اعتقادی و عاطفی با مؤمنین و همچنین برای پنجه درافکندن با زورگویان، خود را آماده کنند. کسانی که در دوران دفاع مقدس، سر از پا نشناخته در صفوف دفاع مقدس شرکت می‌کردند، منتظران حقیقی بودند. کسی که وقتی کشور اسلامی مورد تهدید دشمن است، آماده دفاع از ارزش‌ها و میهن اسلامی و پرچم برافراشته اسلام است، می‌تواند ادعا کند که اگر امام زمان علیه السلام بیاید، پشت سر آن حضرت در میدان‌های خطر قدم خواهد گذاشت (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه شعبان در مصلاهی تهران، ۱۳۸۱/۷/۳۰).

نگاه منتظرانه جبهه حق سبب شده انسان مؤمن، در برپایی وعده الهی، پیروزی حق بر باطل و ظهور موعود الهی بکوشد و در همه عرصه‌های جسمی، روحی، اخلاقی و رفتاری، در برابر قدرت‌های ستمگر و طغیانگر بایستد و در پی به تحقق رساندن رسالت اسلامی خود در برابر الحاد، ماده‌گرایی و فساد مقابله کند تا عدالت و امنیت و صلح در عالم گسترده گردد. بی‌گمان دشمن ستیزی که مبتنی بر دشمن‌شناسی است آن‌گاه دارای اهمیت و اعتبار است که بر مبانی آیات وحی و فرمایشات مصومان علیهم السلام استوار شده باشد. در این جا نگاهی کوتاه به این مبانی می‌شود:

مبانی قرآنی - روایی دشمن‌شناسی و دشمن ستیزی

شناخت دشمن و بیان شیوه‌های مقابله با آن یکی از مباحث برجسته‌ای است که در آیات قرآن کریم بیان شده است. از نگاه قرآن برجسته‌ترین دشمنان یهود، مشرکان، منافقان، کافران دانسته شده‌اند. آیات قرآن از «یهود» به عنوان دشمن‌ترین گروه برای مؤمنان یاد کرده و پس از آنان به «مشرکان» اشاره نموده است:

﴿لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِّلَّذِينَ ءَامَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا...﴾ (مائده: ۸۲)؛
مسلمانان یهودیان و کسانی را که شرک ورزیده‌اند، دشمن‌ترین مردم نسبت به مؤمنان
خواهی یافت... .

و در آیاتی علت این دشمنی را کفر به آیات خداوند (مائده: ۷۸)، تکذیب و قتل برخی پیامبران (مائده: ۷۰)، سلطه‌جویی و خوی استکباری (بقره: ۸۷)، روحیه عصیان و تجاوزگری (مائده: ۷۸)، فساد در زمین (مائده: ۶۴) و جنگ‌افروزی (همان) دانسته است.

و البته در میان یهودیان اگر کسی ویژگی‌های یادشده را نداشته و حاکمیت اسلامی را پذیرفته باشد در پناه اسلام در امان است.

از دیگر سو، قرآن کریم راهبردهای پرشماری را برای مبارزه با دشمنان مطرح کرده است که شماری از آنها عبارتند از: تجهیز به قدرت ایمان، افزایش قدرت نظامی، ممنوعیت دوستی با بیگانگان و جهاد و مبارزه.

اگرچه غلظت یک صفت دائمی برای جامعه اسلامی است ولی شدت عمل فقط در زمانی است که بایسته است تا دشمن را بر سر جای خود نشانند. با این همه هر دو یک راهبرد بنیادین در جامعه اسلامی و سیاست خارجی اسلام است.

از نظر آموزه‌های اسلامی غلظت و شدت از فضایل اخلاقی مسلمان در قبال دشمنان است، همان‌گونه که رحمت و نرمی، از صفات مسلمان نسبت به هم‌کیشان است.

در میان آیات قرآن در باره برخورد با دشمنان یکی از آیاتی که از با بیانی روشن پیامبر ﷺ و پیروان او را به برخورد با دشمنان و مهرورزی با دوستان متصف کرده عبارت است از این آیه که می‌فرماید:

﴿مَحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ﴾ (فتح: ۲۹)؛

محمد پیامبر خدا، و کسانی که با او هستند بر کفاران سختگیرند و با یکدیگر مهربان.

علامه طباطبائی این بخش از آیه ۲۹ سوره فتح را بیان دو صفت مؤمنان دانسته که هرچند متضاد است اما در کنار یکدیگر قرار گرفته است. در تفسیر المیزان، ذیل این بخش از آیه آمده است:

دو صفت از صفات عاطفی را به عنوان دو صفت ممدوح مؤمنین ذکر کرده، می‌فرماید مؤمنین نسبت به کفار خشن و بیرحمند، و نسبت به خودشان مهربانند (طباطبائی، ۱۳۷۴ ش: ج ۴، ۵۴۷).

در تفسیر نمونه نیز در باره این دو صفت یاران پیامبر ﷺ و مؤمنان این‌گونه آمده است:

آری آنها کانونی از عواطف و محبت نسبت به برادران و دوستان و هم‌کیشانند، و آتشی سخت و سوزان، و سدی محکم و پولادین در مقابل دشمنان. در حقیقت عواطف آنها در این "مهر" و "قهر" خلاصه می‌شود، اما نه جمع میان این دو در وجود آنها تضادی دارد، و نه قهر آنها در برابر دشمن و مهر آنها در برابر دوست سبب می‌شود که از جاده حق و عدالت قدمی بیرون نهند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش: ج ۲۲، ۱۱۳).

البته باید توجه داشت که پیامبر اکرم ﷺ در عمر با برکت خود با گروه‌های گوناگونی از

مخالفان و دشمنان روبه‌رو بود. در یک طیف‌شناسی کوتاه از این دشمنان و مخالفان می‌توان به مشرکینی اشاره کرد که پیشینه‌ای کهن داشتند و در گستره جزیره‌العرب دارای نفوذ بودند. در پنج سال نخست حضور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مدینه، گروهی که برابر حضرت ایستاد، مشرکین بودند. و در کنار مشرکین که شمارشان هم کم نبود، گروهی بودند که آیین یهود و یا مسیحیت داشتند. البته باید توجه داشت مسیحیان در شبه جزیره به نسبت به یهودیان چندان گسترده نبودند. یهودیان بخشی از مخالفین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بودند که در برابر آن حضرت صف‌آرایی کردند.

پس از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌توان امیر مؤمنان علی علیه السلام را برجسته‌ترین انسان در این ویژگی دانست. همو که زندگی‌اش سرشار بود از نفرت از دشمنان خداوند و دوستی و محبت به دوستان خداوند.

رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله العالی) در بخشی از سخنان خود، در باره این صفت برجسته امیرمؤمنان علی علیه السلام چنین می‌گوید:

آن انسانی که در میدان جنگ آن جور می‌جنگد، وقتی سر و کارش با یک خانواده یتیم‌دار می‌افتد، آن جور با یتیمان همراهی می‌کند، خم می‌شود، بچه یتیم‌ها را بازی می‌دهد، روی دوش خودش سوار می‌کند. اینها اصلاً همان چیزهایی است که ربطی به این ندارد که ما متدین باشیم و به چه دینی متدین باشیم تا اینها را احترام کنیم. هر انسانی در مقابل این عظمت وقتی قرار می‌گیرد احساس خضوع و تعظیم می‌کند (بیانات رهبر انقلاب بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت عید غدیر، ۱۳۹۵/۶/۳).^۱

این صفات برجسته حضرت علی علیه السلام را می‌توان رفتاری منطبق بر آیه شریفه یادشده دانست.

افزون بر آیات قرآن، پیشوایان معصوم علیهم السلام نیز بر ضرورت دوستی و محبت مؤمنان تأکید کرده، آن را لازمه مسلمانی می‌شمارند؛

رسول اکرم صلی الله علیه و آله، خیر و سعادت امت را در گرو محبت و مهربانی دانسته، می‌فرماید:

لَا تَرَالُ أُمَّتِي مَجْزِيًا تَحَابُّوا... (ابن بابویه؛ ۱۳۷۸: ج ۲، ۲۹)؛

امت من مادامی که همدیگر را دوست داشته باشند، در خیر و خوشی هستند.

1. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۴۴۲۹>

و در سخنی دیگر فرمود:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ رَحِيمٌ يُحِبُّ كُلَّ رَحِيمٍ (طوسی، ۱۴۱۴: ۵۱۶)؛

به راستی که خداوند بزرگ، مهربان است و هر انسان مهربانی را دوست دارد.

امام صادق علیه السلام به یاران خویش چنین سفارش فرمود:

اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا إِخْوَةً بَرَرَةً مُتَحَابِّينَ فِي اللَّهِ مُتَوَاصِلِينَ مُتَرَاحِمِينَ تَزَاوَرُوا... (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ۱۷۵)؛

تقوای الهی پیشه کنید و برادران خوبی باشید، به خاطر خدا دوستدار یکدیگر، متصل و مرتبط به هم و نسبت به هم مهربان باشید، به زیارت یکدیگر بروید و با هم دیدار کنید.

علاوه بر آیات و روایات فطرت پاک و عقل سلیم نیز بر صفت زیبایی مهربانی و غمخواری انسان ها نسبت به یکدیگر صحه می‌گذارد و کینه توزی و بی‌مهری نسبت به همکیشان را توبیخ می‌کند رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، لازمه خردناب را چنین بیان می‌کند:

رَأْسُ الْعَقْلِ بَعْدَ الدِّينِ التَّوَدُّ إِلَى النَّاسِ وَاصْطِنَاعُ الْخَيْرِ إِلَى كُلِّ أَحَدٍ بَرٍّ وَفَاجِرٍ (علی بن موسی الرضا علیه السلام، ۱۴۰۶: ۵۲)؛

اوج خردمندی پس از دینداری، دوستی با مردم و نیکوکاری نسبت به هر فردی است [خواه آن فرد] نیکوکار باشد یا بدکار.

این یک قاعده خردمندانه است که اگر افراد یک جامعه مهربان و دلسوز باشند، همه نسبت به یکدیگر غمخوار و با عاطفه می‌شوند در نتیجه هر کس در حالی که خود دل رحم و رئوف است، مورد لطف و مهربانی دیگران نیز واقع می‌شود. چنان‌که عکس آن نیز صادق است. نکته دیگری را که امام بدان اشاره کرده است، اثر وضعی بی‌رحمی و خشونت به انسان‌ها و بی‌تفاوتی در برابر غم دیگران است که به طور طبیعی و در قالب یک سنت الهی، ظهور می‌کند و عقل سالم نیز بدان دست می‌یابد و آن این‌که:

مَنْ لَمْ يَرْحَمْ النَّاسَ مَنَعَهُ اللَّهُ رَحْمَتَهُ (آمدی، ۱۴۱۰: ۶۵۱)؛

هر کس به مردم، رحم نکند، خداوند رحمتش را از او دریغ می‌دارد.

پس از پیشوایان معصوم علیهم السلام که برترین مصادیق «وَالَّذِينَ مَعَهُ» هستند انسان‌هایی در اتصاف به این دو صفت خوش درخشیدند که در دوران معاصر یکی از برجسته‌ترین آنها شهید قاسم سلیمانی است.

شهید سلیمانی با توجه به اهمیت دشمن‌شناسی و دشمن‌ستیزی در دوران غیبت امام عصر علیه السلام همواره در زندگی خود در برابر ستمگران کوتاه نیامده تا حد امکان با آنها مبارزه کرد البته این دشمنی هرگز از اندازه عدل و اعتدال خارج نشد.

مهرورزی بر مردم

امیرالمؤمنین علیه السلام در فرازهایی از نامه معروف خود، به مالک اشتر وی را به مهربانی با مردم توصیه می‌فرماید:

... وَ لِيَكُنْ أَحَبَّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَوْسَطُهَا فِي الْحَقِّ وَ أَعْمَهَا فِي الْعَدْلِ وَ أَجْمَعَهَا [لِرِضَا] لِرِضَى الرَّعِيَّةِ... (شریف الرضی، ترجمه صبحی صالح، ۱۴۱۴ق: ۴۲۹)؛
 محبوب‌ترین کارها در نزد تو، کارهایی باشد که با میانه‌روی سازگارتر و با عدالت دم‌سازتر باشد و خشنودی مردم را در پی داشته باشد.

پایبندی به همین دستور علوی بود که شهید سلیمانی را چهره‌ای ملی در نگاه ایرانیان و مسلمانی محمدی در قلب‌های شیعه و سنی منطقه کرده بود. تشییع جنازه بی‌نظیر و میلیونی او در دو کشور ایران و عراق، گواهی است گویا بر رفتار او بر پایه سیره اهل بیت علیهم السلام است. سردار صفوی دستیار و مشاور عالی فرمانده معظم کل قوا و از هم‌زمان او در باره تعامل شهید با عموم مردم چنین می‌گوید:

در مکتب سلیمانی، مردم‌داری و مردم‌یاری و خدمت به عموم انسان‌ها از هر ملت و آئینی حتی انسان‌های غیرمذهبی دارای یک اصل است، این جزو مکتب سلیمانی و اسلام ناب است.^۱

از برجسته‌ترین نموده‌های مهرورزی وی به مردم می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

مردمی بودن

از ویژگی‌های برجسته پیامبران و اولیای الهی مردمی بودن آنهاست. حضور آنان در بین مردم سبب شده بود تا آنان دستورات الهی را به خوبی دریافت و به آنها عمل کنند. یکی از ویژگی‌های شهید سلیمانی مردمی بودن او بود. او به راستی عاشق مردمش بود به همین سبب مردم نیز عاشق او بودند. او بر این باور بود که مردم ولی نعمت ما هستند. و این انقلاب و نظام دست‌رنج تلاش آنان و متعلق به آنان است. از این رو در حوادث گوناگون

1. <https://b2n.ir/s/40328>

میان مردم حضور می‌یافت و به یاری آنها می‌شتافت.

این مردمی بودن تا آن‌جا پیش رفت که حاضر بود جان خود را فدای این مردم کند. رهبر انقلاب در این باره می‌گوید:

آن فریب‌خوردگانی که یک روزی فریاد زدند «نه غزه، نه لبنان»، آنها نه فقط جان‌شان را فدای ایران نکردند، حتی حاضر نشدند راحتی خودشان و منافع خودشان را هم در راه کشور فدا کنند؛ آن کسی که جانش را فدای ایران کرد باز همین شهید سلیمانی‌ها بودند؛ اینها بودند که در زمانی که نیاز به دفاع از کشور بود، جان خودشان را کف دست گرفتند و به میدان جنگ رفتند از کشور دفاع کردند، از ایران دفاع کردند؛ اینها هستند که می‌توانند ادعا بکنند که دفاع می‌کنند از امنیت کشور، از امنیت ملت؛ همین فداکاری و اخلاص اینها است که در همه مراحل، این جور بوده (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۲۷/۱۰/۱۳۹۸).^۱

بی‌گمان این مردمی بودن نتایج خود را پس از شهادت آن سردار رشید اسلام در نگاه جهانیان قرار داد و آن استقبال بی‌نظیر توده مردم از پیکر مطهر او و تشییع جنازه او بود. تشییعی که در آن از همه اقشار مردم حضوری شگفتی‌آور را به نمایش گذاشتند که خداوند متعال می‌فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا﴾ (مریم: ۹۶)؛

کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، به زودی [خدای] رحمان برای آنان محبتی [در دل‌ها] قرار می‌دهد.

خوشخویی

شهید سلیمانی مصداق بارز یک انسان خوشخو و خوشرو بود و لبخند، همواره جذابیت چهره‌اش را دوچندان می‌کرد. با این صفت پسندیده اخلاق نیکوی خویش، دل‌های انسان‌های بی‌شماری را به سوی خود جذب نموده بود. دوست‌داشتنی بود و به همان میزان که در برابر دشمن با صلابت بود و لرزه بر اندام او می‌افکند در مقابل تک‌تک مردم متواضع و فروتن بود.

اینها و ویژگی‌های دیگر، ویژگی‌های این شخصیت بزرگ را نشان می‌دهند. مؤلفه‌هایی که وقتی کنار هم می‌آیند جامعیت یک شخصیت را نمایان می‌کنند و او را به عنوان یک مکتب،

1. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۴۴۶۹۵>

یک چراغ راه و یک مدرسه درس‌آموز معرفی می‌کنند. ویژگی‌هایی که همه اجزای آن با یکدیگر همگون و هماهنگند.

روحیه فداکاری و نوع‌دوستی

روحیه فداکاری و نوع‌دوستی از صفات ارزشمند انسانی است که بیشتر در انسان‌هایی با روح بزرگ دیده می‌شود. و از این انسان‌ها شهید سلیمانی نمونه‌ای بارز بود.

رهبر انقلاب به روشنی تمام این ویژگی برجسته آن شهید را این‌گونه توصیف می‌کند که:
از طرفی روحیه فداکاری و نوع‌دوستی داشت، یعنی برایش این ملت و آن ملت و مانند اینها [مطرح] نبود؛ نوع‌دوست بود، واقعاً حالت فداکاری برای همه داشت (بیانات در دیدار دست‌اندرکاران مراسم سالگرد شهادت حاج قاسم سلیمانی و خانواده شهید سلیمانی، ۱۳۹۹/۰۹/۲۶).^۱

این روحیه ایثار و فداکاری افزون بر میدان عمل در وصیت‌نامه آن شهید که عصاره و حقیقت زندگی اوست، در خطاب به برادران و خواهران ایرانی این‌گونه آمده است:
برادران و خواهران عزیز ایرانی من، مردم پرافتخار و سربلند که جان من و امثال من، هزاران بار فدای شما باد، کما این‌که شما صدها هزار جان را فدای اسلام و ایران کردید....

گر چه رأفت، مهربانی و فداکاری او عمومی و فراگیر بود، ولی از آن جایی که افراد جامعه از نظر نیاز به لطف و دلسوزی، یکسان نیستند و بدیهی است آنان که در کشاکش روزگار، بیش از دیگران سختی و ستم را متحمل شده‌اند، بیشتر به محبت نیازمندند.
به تعبیر امام امیرمؤمنان علی علیه السلام که فرمود:

أُولَى النَّاسِ بِالرَّحْمَةِ الْمُحْتَاجُ إِلَيْهَا (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۴۵۰)؛
سزاوارترین مردم به مهربانی، نیازمند به آن است.

از این رو این نوع دوستی و مهرورزی در جاهایی به اوج و قله خود می‌رسید.
از آثار و برکات این نوع دوستی و مهرورزی که تبلور ایمان و عمل صالح است می‌توان به مودت مردم اشاره کرد که خداوند بدان وعده فرموده است.

﴿إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا﴾ (مریم: ۹۶)؛

1. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۴۶۹۴۴>

کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، به زودی [خدای] رحمان برای آنان محبتی [در دلها] قرار می‌دهد.

در این آیه شریفه بشارت به موذت مردم برای مؤمنان صالح، نه در آینده، که در لحظه، مقرر گردیده است. در این زمینه می‌توان به محبت زائدالوصف مردم به این شهید عزیز اشاره کرد که هرکجا می‌رفت با استقبال چشم‌گیر مردم مواجه می‌شد.
امام صادق علیه السلام از پدانش از امیر مؤمنان علی علیه السلام نقل کرده که فرمود:

مَنْ أَصْلَحَ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ أَصْلَحَ اللَّهُ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّاسِ (برقی، ۱۳۷۱: ج ۱، ۲۹)؛

هرکس رابطه میان خود و خدا را نیکو سازد، خداوند نیز، رابطه او را با مردم نیکو سازد.

به راستی کسی که میان خود و خدا را اصلاح کند؛ یعنی در برابر هر امری قرار می‌گیرد نخست نگاه کند که رضای خدا در چیست و آن را برگزیند، چنین کسی به یقین مشمول عنایات الهی قرار می‌گیرد و خداوند رابطه او را با مردم سامان می‌بخشد. اضافه بر این، اصلاح رابطه با خدا مستلزم صدق و امانت و راستی است. کسی که صدق و امانت و راستی پیشه کند به یقین مردم به او علاقه مند می‌شوند. امام علی علیه السلام:

إِنَّمَا يَسْتَدِلُّ عَلَى الصَّالِحِينَ بِمَا يَجْرِي اللَّهُ هُفْمَ عَلَى أَلْسِنِ عِبَادِهِ ، فَلْيَكُنْ أَحَبَّ الذَّخَائِرِ إِلَيْكَ
ذَخِيرَةُ الْعَمَلِ الصَّالِحِ (نهج البلاغه، نامه ۵۳)؛

مردمان نیکوکار از سخنانی شناخته شوند که خداوند درباره آنان بر زبان بندگان خویش جاری می‌سازد؛ بنابراین، باید دوست داشتنی‌ترین اندوخته در نظر تو، اندوخته کار نیک باشد.

براساس فرمایش یادشده می‌توان آن شهید را از شایستگان دانست. چه این‌که نه فقط پس از شهادت، که در دوران حیات نیز همگان از او به نیکی یاد می‌کردند. به‌ویژه مردمان مؤمن در کمال صداقت نام او را بزرگ می‌داشتند. پس از شهادت نیز جای هیچ سخنی نیست که افزون بر دوستان که مخالفان نیز شهامت و رشادت او را ستودند.

شهید سلیمانی نه فقط خود مهرورزی به مردم را اصلی بنیادین می‌دانست بلکه در آن‌جا که به سیاسیون توصیه می‌کند خطاب به آن‌ه تأکید می‌کند که در دوره حکومت و حاکمیت خود در هر مسئولیتی، احترام به مردم و خدمت به آنان را عبادت بداند و خود خدمتگزار واقعی، توسعه‌گر ارزش‌ها باشد، نه با توجیهات واهی، ارزش‌ها را بایکوت کند (وصیت‌نامه شهید سلیمانی).

سردار سلیمانی نه فقط در زندگی خود مهرورزی به مردم را چراغ راه قرار داده بود که کسانی که مرامی این‌گونه نداشتند را مذمت و سرزنش می‌کرد. وی در یکی از سخنرانی‌های خود ضمن انتقاد از فاصله گرفتن از مردم می‌گوید:

امام خط‌شکن بود. اول خود حرکت کرد بعد مردم را فراخواند، دلیل موفقیت ما در جنگ نیز برگرفته از همین فرهنگ بود، فرماندهان در جنگ جلو دار بودند، اگر وزیری در ساختمان بلند بالا و کاخ نشست و دستور صادر کرد، این فرمان تا به نفع ملت اجرا شود نفس مردم را می‌گیرد (سخنرانی در کرمان، ۲۲ بهمن ۱۳۹۶).^۱

دشمن‌شناسی در مرام شهید سلیمانی

بی‌گمان مقدمه دشمن‌ستیزی دشمن‌شناسی است. از آن جایی که شهید سلیمانی در دوران مبارزه با دشمنان سه دوره متفاوت را سپری کرد مواجهه با دشمنان در هر دوره اقتضاهای مناسب خود را طلب می‌کرد. این دوره‌ها عبارت بودند از:

۱. هشت سال دفاع مقدس

در این دوران که مردم ایران در پاسخ به ددمنشی‌های صدام به میدان آمده بودند اما همه دشمنان کسانی نبودند که از سر دشمنی در میدان کارزار آمده بودند. بلکه برخی از افراد جبهه مقابل شیعیانی بودند که به زور به جبهه آورده شده بودند. حاج قاسم سلیمانی، در این دوران فرمانده لشکر ۴۱ ثارالله متشکل از استان‌های هرمزگان، کرمان و سیستان و بلوچستان بود و نقش ارزنده‌ای در آن دوران ایفا کرد. اولین عملیات تیپ ثارالله به فرماندهی شهید سلیمانی در عملیات فتح المبین بود (میرزائی؛ ۱۳۹۵: ۳۱۹-۳۳۶).

۲. دوران مبارزه در لبنان

در این دوران مبارزه به طور مشخص در برابر دشمن صهیونیست و کودک‌کش بود که البته اقتضای حضور در این میدان بیشتر تربیت جوانان رزمنده و تقویت جبهه مقاومت بود. نقش سرنوشت‌ساز سردار سلیمانی در تجهیز حزب‌الله لبنان به انواع جنگ‌افزارها و نیز و آماده‌سازی برای نبرد با اسرائیل، گره‌گشای بحران‌های پرشمار نظامی از جمله جنگ ۳۳ روزه سال ۲۰۰۶ لبنان بود. بحرانی که اگر برای آن تدبیری حکیمانه همراه با شدت عمل برای آن اندیشیده نمی‌شد، چه بسا سرنوشت لبنان و به تبع آن محور مقاومت در کل منطقه دچار

1. <https://b2n.ir/s/45648>

مشکلاتی اساسی می‌شد.

۳. مبارزه با داعش در سوریه و عراق

جنگ با داعش و ریشه‌کنی این غده سرطانی پدیده‌ای بی‌مانند است که در پرونده کارزار شهید سلیمانی از درخشش ویژه‌ای برخوردار است به گونه‌ای که نه فقط دوستان که دشمنان را نیز به ستایش او وادار کرده است.

این دوره مبارزه البته، پیچیدگی‌های خاص خود را داشت. چرا که در جبهه مقابل او کسانی بودند که به ظاهر برای اقامه دولت اسلامی دست به سلاح برده بودند اما در حقیقت و باطن سیاست‌های شیطان بزرگ را گام به گام در برابر جبهه حق و مقاومت پی می‌گرفتند.

رهبری انقلاب با اشاره به دوره‌های سراسر شجاعت زندگی شهید سلیمانی می‌گوید:

حاج قاسم از دفاع مقدس تا پایان عمر با شجاعت به دل خطر می‌رفت...^۱

بنابراین شناخت دشمن در گونه‌های مختلف در هر دوره و زمان و نیز برخورد متناسب از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

رهبر معظم انقلاب که همواره ساکن دار کشتی انقلاب بوده اهتمام جدی مردم به شناخت دشمن را همیشه یادآور می‌شدن. در جایی در این باره فرمودند: آنچه وظیفه ما به عنوان مردم، به عنوان آحاد جمهوری اسلامی است:

اولاً دشمن شناسی است؛ دشمن را [بشناسیم]؛ در شناخت دشمن اشتباه نکنید. نگوئید که خب همه می‌دانیم؛ بله، شما می‌دانید که دشمن کیست؛ دشمن استکبار است، دشمن صهیونیسم است، دشمن آمریکا است؛ اینها را شما می‌دانید اما تلاش وسیعی دارد انجام می‌گیرد برای این‌که این قضیه را به عکس کنند، نظر مردم را عوض کنند، با شیوه‌های پیچیده تبلیغاتی؛ همه باید مراقب باشند؛ دشمن شناسی بسیار مهم است؛ یکی این؛ بعد، دانستن نقشه دشمن؛ دشمن چه کار دارد می‌کند، چه کار می‌خواهد بکند؛ و بعد، دانستن شیوه مقابله با نقشه دشمن؛ این را باید مردم ما بدانند (بیانات رهبر انقلاب در دیدار مردم قم؛ ۱۳۹۸/۱۰/۱۸).^۲

شهید سلیمانی با اقتدا به امامین انقلاب همواره به این توصیه‌های ایشان عمل کرده بصیرت خود را در نگاه قرار داد.

۱. بیانات در دیدار مردم قم با رهبر انقلاب (۱۳۹۸/۱۰/۱۸)؛ ۴۴۶۲۲ <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=۴۴۶۲۲>

۲. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۴۴۶۲۸>

دشمن ستیزی در مرام شهید سلیمانی

در پس شناخت دقیق و درست دشمن است که می‌توان در ستیز با او بهترین راهبرد را انتخاب کرد. و در این راهبرد شجاعت نقشی کلیدی دارد و آن شهید بزرگوار در ویژگی شجاعت و در کنار آن رعایت حدود الهی در اوج بود. و البته انسان‌ها ترسو هرگز در برابر دشمنان به پیروزی نمی‌رسند.

شهید سلیمانی این شجاعت را به عالی‌ترین وجه ممکن در خود ایجاد کرده بود. رهبر معظم انقلاب در باره شجاعت او می‌گوید:

هم یک فرمانده جنگاور مسلط بر عرصه نظامی بود، هم در عین حال به شدت مراقب حدود شرعی بود. در میدان جنگ، گاهی افراد حدود الهی را فراموش می‌کنند، می‌گویند وقت این حرف‌ها نیست؛ او نه، او مراقب بود. آن جایی که نباید سلاح به کار برود، سلاح به کار نمی‌برد؛ مراقب بود که به کسی تعدی نشود، ظلم نشود؛ احتیاط‌هایی می‌کرد که معمولاً در عرصه نظامی، خیلی‌ها این احتیاط‌ها را لازم نمی‌دانند؛ [لکن] او احتیاط می‌کرد. به دهان خطر می‌رفت اما جان دیگران را تا می‌توانست حفظ می‌کرد؛ مراقب جان نزدیکانش، اطرافیان‌ش، سربازانش، همکارانش در ملت‌های دیگر که در کنار او بودند، بود (بیانات رهبر انقلاب در دیدار مردم قم؛ ۱۳۹۸/۱۰/۱۸).^۱

در جایی دیگر می‌گوید:

... شجاعت و مقاومت جزء خصلت‌های ایرانی است. زبونی و عقب‌نشینی و انفعال و مانند اینها ضد روحیه ملی ماست. آنهایی که ادعای ملیت می‌کنند و عملاً زبونی از خودشان نشان می‌دهند، دچار تناقضند و او مظهر شجاعت بود، مظهر مقاومت بود؛ این را همه مشاهده می‌کردند و می‌دیدند (بیانات در دیدار دست‌اندرکاران مراسم سالگرد شهادت حاج قاسم سلیمانی و خانواده شهید سلیمانی، ۱۳۹۹/۰۹/۲۶).^۲

و در جایی دیگر شجاعت این سردار بی‌مانند را این‌گونه به تصویر می‌کشد:

به یک منطقه‌ای که در محاصره ۳۶۰ درجه‌ای دشمن است، شهید سلیمانی با بالگرد وارد این منطقه می‌شود، در محاصره‌ی کامل دشمن جوان‌های خوبی در آن منطقه هستند که دست‌تنها هستند، فرمانده‌ای ندارند، چشم‌شان که به حاج قاسم سلیمانی

1. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۴۴۶۲۸>

2. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۴۶۹۴۴>

می‌افتد، جان پیدا می‌کنند، روحیه پیدا می‌کنند، انگیزه پیدا می‌کنند، محاصره را از بین می‌برند و دشمن را متواری می‌کنند و فرار می‌کنند؛ چه کسی می‌تواند این کارها را انجام بدهد؟^۱

توجه به رفتارهای شهید حاج قاسم سلیمانی گویای آن است که آن شهید بزرگوار همواره رفتار پیشوایان معصوم علیهم‌السلام را سرلوحه زندگی خود قرار داده مرامی سرشار از شدت با دشمنان و مهربانی با مردم داشت.

شجاعت مثال‌زدنی او، دشمن‌شناسی و دشمن‌ستیزی اوز سبب شد تا در ۱۹ اسفند ۱۳۹۷ شمسی امام خامنه‌ای، نشان ذوالفقار (عالی‌ترین نشان نظامی ایران) را به سپهبد شهید سردار سلیمانی اهدا کرد. طبق آئین‌نامه اهدای نشان‌های نظامی جمهوری اسلامی ایران، این نشان به فرماندهان عالی‌رتبه و رؤسای ستادهای عالی‌رتبه در نیروهای مسلح اهدا می‌شود که تدابیر آنها در طرح‌ریزی و هدایت عملیات‌های رزمی موجب حصول نتایج مطلوب شده باشد. رهبرانقلاب در مراسم اعطای این نشان به نکات برجسته‌ای از رشادت‌های سردار این‌گونه اشاره کردند:

شاید برخی دوستان ندانند ولی دشمنان خوب می‌دانند که او با کمک به ملت‌های منطقه توانست همه نقشه‌های نامشروع آمریکا در غرب آسیا را خنثی کند... نقشه آمریکا در سوریه، عراق، لبنان با کمک این شهید خنثی شد... بنده در برابر کار بزرگ و قیامتی که سردار سلیمانی کرد تعظیم می‌کنم.^۲

در پایان نکته حائز اهمیت آن است که آنچه سبب شده تا شهید سلیمانی در اوج قرار گیرد انصاف به صفات متضاد همدیگر است که البته برای کسب آنها نیاز به تلاش فراوان است. چه اینکه ممکن است انسان‌هایی با روحیه خشن در برابر دشمنان با شدت برخورد کنند اما در برابر مردم عادی و دوستان نمی‌توانند انسان‌های مهربانی باشد چه این‌که کسانی هم هستند که با عموم انسان‌ها با نرم‌خویی و مهربانی رفتار می‌کنند اما در برابر دشمنان نمی‌توانند در خود حس سخت‌گیری و شدت داشته باشند. و اجمالاً این‌که جمع این دو صفت آن هم در اوج ممکن کاری بسیار سخت می‌نماید که نیازمند ممارست و خودسازی فراوان است. و سرانجام نتیجه این گردآوردن دو صفت آن شد که مردمان بسیاری از عمق جان به او مهر

۱. خطبه نماز جمعه؛ ۲۴۰۷۲ <https://www.leader.ir/fa/speech/>

۲. <https://b2n.ir/u/۷۹۸۸۲>

می‌ورزند که نمونه این عشق را در تشییع پیکر پاک او جهانیان به نظاره نشستند و از دیگر سو اوج دشمنی‌های استکبار را با او همگان دیدند.

نتیجه‌گیری

مرام شهید سلیمانی برخاسته از آموزه‌های اسلام ناب محمدی ﷺ، مکتب اهل بیت علیهم‌السلام، فرهنگ انتظار و سیره عملی امامین انقلاب، دارای دو سویه کاملاً متفاوت: یکی شدت در برخورد با کفار و دشمنان و دیگری مهرورزی و ملاحظت با مردمان است.

و این دو خصلت قرآنی با الهام از فرهنگ انتظار، همواره مدنظر این شهید بزرگوار بود تا آن‌که به لقاء الهی نائل شد. این‌که در برابر دشمنان تا بن دندان مسلح، هرگز احساس ناتوانی که نمی‌کرد، بلکه از موضع اقتدار او را به هم‌وردی با خود فرامی‌خواند و در برابر مردم عادی با تأسی بر پیشوایان معصوم علیهم‌السلام در نهایت تواضع و فروتنی رفتار می‌کرد و هرکجا، هر کاری از دستش بر می‌آمد، در خدمت به آنان فروگذار نبود.

او نه فقط در خدمت به مردم لحظه‌ای به خود تردید راه نداد که بر این باور بود: به‌کارگیری افراد پاک‌دست و معتقد و خدمت‌گزاری به ملت، یک اصل مسلم است.

وی نه فقط خدمت به مردم را یک وظیفه انسانی می‌دانست که آن را اصلی اسلامی تلقی می‌کرد که در شمار عبادات پروردگار متعال است: در دوره حکومت و حاکمیت خود در هر مسئولیتی، احترام به مردم و خدمت به آنان را عبادت بدانند و خود خدمتگزار واقعی، توسعه‌گر ارزش‌ها باشند.

منابع

- قرآن کریم
 نهج البلاغه
 صحیفه امام رضا علیه‌السلام
۱. ابن بابویه، محمد بن علی بن حسین (۱۳۷۸ق)، *عیون أخبار الرضا علیه‌السلام*، تهران، نشر جهان.
 ۲. ابن بابویه، محمد بن علی بن حسین (۱۳۹۵ق)، *کمال الدین و تمام النعمه*، قم، دارالکتب الاسلامیه.
 ۳. برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱ق)، *محاسن*، قم، دارالکتب الاسلامیه، دوم.
 ۴. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق)، *غرر الحکم و درر الکلم*، قم، دارالکتب الاسلامیه.

۵. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳ش)، لغت نامه، تهران، دانشگاه تهران.
۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، المفردات فی غریب القرآن، دمشق / بیروت، دارالعلم / الدارالشامیه.
۷. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴ش)، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۸. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۴ق)، الأملی، قم، دارالثقافة.
۹. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
۱۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ش)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
۱۱. موسوی اصفهانی، سید محمد تقی (۱۳۷۹ش)، مکیال المکارم، مترجم: سید مهدی حائری قزوینی، تهران، بدر.
۱۲. میرزائی، عباس (۱۳۹۵ش)، هجوم به تهاجم، تهران، نشر یا زهراء.

13. <https://b2n.ir/s>

14. <https://farsi.khamenei.ir>